



واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ايران با تاكيد بر متغيرهاي روان‌شناختي هوش معنوي و سبك هويت (مورد مطالعه: دانشجويان افغان شهرستان كاشان)

پديدآورنده (ها) : صادقي آراني، زهرا؛ پوربافراني، محمود؛ نيازي، محسن

علوم اجتماعي :: نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامي :: پاييز ۱۳۹۸ - شماره ۳۲ (علمي-پژوهشي/ISC)

صفحات : از ۳۸۱ تا ۴۰۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1564913>

دانلود شده توسط : معصومه ازقندي

تاريخيخ دانلود : ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- نقش مؤلفه های هوش معنوی و توانمندسازی روان‌شناختی در ابعاد رفتار مدنی سازمانی
- رابطه بین هوش معنوی و سبک رهبری مدیران مدارس متوسطه شهرستان گرگان
- رابطه بین هوش معنوی با رفتار شهروندی سازمانی، تعهد سازمانی و رهبری تحولی مدیران دوره ابتدایی شهرستان گلپایگان
- بررسی رابطه هوش معنوی و رفتار شهروندی سازمانی معلمان دبیرستان های شهرستان زنجان
- پیش‌بینی صمیمیت اجتماعی بر اساس هوش معنوی با میانجی‌گری نقش سبک هویت اطلاعاتی در دانشجویان
- تاثیر آموزش هوش معنوی با تاکید بر آموزه های قرآنی، بر واکنش به استرس تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان پسر دوره متوسطه شهرستان شبستر
- بررسی تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی «ره» شهرستان اردبیل
- رابطه سبک های دلبستگی و هوش معنوی با نگرش دینی دانش آموزان متوسطه شهرستان آمل در سال ۱۳۹۳
- بررسی تطبیقی بررسی نقش واسطه‌گری هوش معنوی در رابطه بین سبک‌های هویت و هوش هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان بم
- بررسی تأثیر محتوای دروس مدیریت بر سبک یادگیری و اثر آن بر هوش معنوی دانشجویان مدیریت

واکاوی رفتار قانون‌گزیزانه مهاجران در ایران با تأکید بر متغیرهای روان‌شناختی هوش معنوی و سبک هویت (مورد مطالعه: دانشجویان افغان شهرستان کاشان) ♦

زهرا صادقی آرانی¹
محمود پوربافرانی²
محسن نیازی³

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف واکاوی رفتار قانون‌گزیزانه دانشجویان افغان در شهرستان کاشان و بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی هوش معنوی و سبک هویت بر قانون‌گریزی این دانشجویان انجام شده است. **روش:** این تحقیق از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر رویکرد کمی؛ راهبرد آن، پیمایشی و روش تحقیق آن، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری تحقیق، دانشجویان مهاجر افغان شهرستان کاشان است. **یافته‌ها:** نتایج این بررسی حاکی از تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، وضعیت تأهل، دلیل اقامت، دوره تحصیلی و مدت اقامت بر قانون‌گریزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان است. همچنین بین هوش معنوی و قانون‌گریزی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج نشان‌دهنده آن است که افراد با سبک هویت اطلاعاتی و سردرگم، تمایل بیشتری به قانون‌گریزی و دانشجویان با سبک هویت هنجاری و تعهد، تمایل کمتری به قانون‌گریزی دارند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج به دست آمده و به منظور افزایش قانون‌گرایی دانشجویان مهاجر، تلاش برای تقویت هوش معنوی و تسريع در جامعه‌پذیری آنان، به خصوص در سالهای اول مهاجرت پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: قانون‌گریزی، هوش معنوی، سبک هویت، مهاجران افغان در ایران، دانشگاه اسلامی.

♦ دریافت مقاله: 97/12/01؛ تصویب نهایی: 98/06/01.

1. دکتری مدیریت، استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول). نشانی: کاشان، 6 کیلومتر 6 بلوار قطب راوندی، ساختمان سعیدی، گروه مدیریت و کارآفرینی / نمابر: 031-55913762 / Email: SadeqiArani@kashanu.ac.ir.
2. دکتری فقه و حقوق خصوصی از دانشگاه خوارزمی، مدرس دانشگاه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
3. دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه اصفهان، استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان.

الف) مقدمه

امروزه، یکی از عوامل پیشرفت جوامع توسعه یافته، وجود قوانین مدوّن، شفاف و صریح است. قانون از پیچیده ترین مقوله هایی است که بشر با آن مواجه بوده است. در واقع؛ انسانها به تبع رعایت قانون، نظم پیدا کرده و با دیگر هموعان خویش ارتباط و تعامل برقرار می کنند. قانون به عنوان نمونه ای از قراردادهای اجتماعی، حوزه های مختلفی را در زندگی از قبیل اقتصاد، سیاست، حقوق و... در بر می گیرد. اینکه انسانهای بی شماری در مسیری تعریف شده گام برداشته، امور روزمره خود را انجام می دهند، خود متأثر از وجود قانون در جامعه است (میرزایی و همکاران، 1396). قانون گرایی به معنای ضابطه مند و قاعده مند بودن رفتارهای انسانی در قالب هنجارهای تدوین شده است که مورد پذیرش اکثر افراد جامعه و باعث تداوم و قوام جامعه است. قانون گرایی پیامدها، آثار و تبعات بسیار زیادی برای جامعه دارد و تحقق بسیاری از اهداف اجتماعی، متضمن رعایت قوانین و مقررات است. برای مثال؛ تحقق آزادی، اقتدار حاکمیت، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و بسیاری دیگر از اهداف اجتماعی را می توان نمونه هایی از این مدعا دانست. (میرفردی و فرجی، 1395)

رفتار مقابل قانون گرایی، قانون گریزی است. قانون گریزی، رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه نشأت می گیرد و قانون گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده می گیرد. قانون گریزی طیفی از رفتار است که از قانون گریزی دائم، خشن و شدید تا قانون گریزی گه گاه، غیر خشن و ضعیف را در بر می گیرد (علی بابایی و فیروزجانیان، 1388). برای تعیین عوامل تأثیرگذار بر قانون گریزی، عوامل متعددی را می توان برشمرد و آنها را در دسته های مختلف طبقه بندی کرد. آنچه موجب شکل گیری پدیده قانون گریزی می شود، ممکن است عوامل فردی یا مجموعه ای از عوامل غیر فردی یا اجتماعی باشد. علاوه بر ویژگی های جمعیت شناختی مانند سن، جنسیت و...، یکی از عوامل روان شناختی مؤثر بر تمایل به رعایت قانون در انسانها، هوش معنوی آنهاست. هوش معنوی یکی از مفاهیم جدید در انواع هوش به شمار می رود که از سطح روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته، حیطه شهودی و متعالی زندگی انسان را سامان می دهد (فروز و همکاران، 1388). عامل دیگر از عوامل فردی - روان شناختی مؤثر بر قانون گریزی، سبک هویت است. منظور از سبک هویت، ترکیب مهارتها، جهان بینی و همانندسازی های دوران کودکی است که به صورت یک کل منسجم و منحصر به فرد درمی آید و برای افراد، احساس تداوم گذشته و جهت گیری برای آینده را فراهم می کند. (طباطبایی و همکاران، 1391)

383 ♦ واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ايران با تأکيد بر...

اگرچه تمامی شهروندان یک سرزمین ملزم به رعایت قانون‌اند؛ اما التزام به قانون برای مهاجران، حساس‌تر و مهم‌تر ارزیابی می‌شود (لیندال،¹ 2008؛ منجیوا و کانستروم،² 2014؛ انریکو³ و همکاران، 2018). در این راستا و با توجه به اهمیت و تأثیر مهاجرت و قانون‌پذیری مهاجران در کشور مهاجرپذیر یا مقصد و عطف به حجم انبوهی از مهاجران افغان در ایران، پژوهش حاضر با هدف واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ایران با تأکید بر متغیرهای جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی هوش معنوی و سبک هویت انجام شده است و جامعه آماری تحقیق را دانشجویان افغان شهرستان کاشان تشکیل می‌دهد. سؤالات پژوهشی این تحقیق در قالب دو سؤال اصلی ذیل مطرح می‌شود:

- هوش معنوی، سبک هویت و تمایل به قانون‌گریزی در بین دانشجویان مهاجر افغان شهرستان کاشان چگونه است؟
- رابطه بین هوش معنوی، سبک هویت و تمایل به قانون‌گریزی در بین دانشجویان مهاجر افغان شهرستان کاشان چگونه است؟

ب) مبانی نظری تحقیق

1. قانون‌گریزی

نظم در هر جامعه‌ای مبتنی بر مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد اجتماعی است. برخی از این هنجارها عرفی و غیر رسمی و برخی دیگر رسمی است و ضمانت اجرایی دارد. در جامعه‌شناسی، مفاهیم مختلفی همچون انحراف، جرم، بزهکاری و کجروی برای کسانی که قواعد اجتماعی را نادیده می‌گیرند، به کار گرفته می‌شود؛ اما این مفاهیم با یکدیگر تفاوت دارند. به همه افرادی که از هر گونه هنجاری در جامعه تخطی کنند، کجرو یا منحرف می‌گویند؛ اما برخی افراد از قوانین رسمی جامعه تخطی می‌کنند و آن را نادیده می‌گیرند که به آنان قانون‌گریز می‌گویند (فیروزجاییان و هاشمی، 1395). قانون‌گریزی، رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه، حاصل می‌شود و قانون‌گریز، کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. با توجه به اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده می‌گیرند، قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مانند سرقت و قتل و...) تا قانون‌گریزی گه‌گاهی، غیر خشن و ضعیف (مانند عبور از چراغ قرمز، ندادن مالیات و...) را در بر می‌گیرد. به

1. Lindahl
2. Menjiva & Kanstroom
3. Enriquez

قانون‌گزیزی نوع اول، قانون‌گزیزی سخت و به نوع دوم، قانون‌گزیزی نرم گفته می‌شود (علی‌بابایی و فیروزجانیان، 1388). بدیهی است که همه افراد جامعه به دلیل ویژگی‌های قانون‌گزیزی نوع دوم یا نرم، به نوعی مرتکب آن می‌شوند؛ به طوری که در جامعه به شکل عادت و امری معمول و حتی پذیرفته‌شده از دیدگاه عموم مردم درآمده است. (میرفردی و احمدی قارنایی، 1395)

جامعه‌شناسان دلایل مختلفی را از ابتدا تاکنون درباره انحراف افراد در جامعه مطرح کرده‌اند. عمده این نظریه‌ها را می‌توان در دو پارادایم اثبات‌گرا و برساخت‌گرا دسته‌بندی کرد (صدیق سروسرانی، 1388). در حالی که پارادایم اثبات‌گرا بیشتر به محیط و جامعه به عنوان دلیل انحراف توجه دارد، پارادایم برساخت‌گرا فرد را در کانون تحلیل انحراف قرار می‌دهد. در این پارادایم، نظریه‌هایی قرار دارند که با تأکید بر مفهوم اختیار، به تبیین رفتار فرد کجرو می‌پردازند. اما برخی از نظریه‌های جدید هم تلاش کرده‌اند تا انحراف را با در نظر گرفتن تأثیر متقابل ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های جامعه تحلیل کنند که به نظریه‌های تلفیقی شهرت دارند.

در تقسیم‌بندی از نوع رفتار قانون‌گزیزی، سه دسته رفتار تبیین شده است که عبارتند از: قانون‌گزیزی ابزاری، اعتراضی (ناهمنوایی) و اخلاقی (کلین، 1377).

قانون‌گزیزی ابزاری: در قانون‌گزیزی ابزاری، کنشگر در موقعیت کنش به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می‌پردازد و به این نکته آگاه می‌شود که کنش غیر قانونی در مجموع سود بیشتری برای او دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است. عوامل ساختاری و اجتماعی متعددی شرایط شکل‌گیری این نوع کنش را فراهم می‌سازد که از جمله آنها ناکارآمدی نهادهای تشخیصی برای قانون‌گزیزی، ناکارآمدی نهادهای قضایی و تنبیهی و ضعف هنجارهای سنتی است، بدون اینکه توسط هنجارهای جدیدی جایگزین شوند؛ که به آن نابسامانی آنومی گفته می‌شود.

قانون‌گزیزی اعتراضی (ناهمنوایی): بسیاری از تعهدهای هنجاری نسبت به قانون ممکن است مبتنی بر اخلاق شخصی باشد. در این حالت، مبنای برداشت شخصی از قانون، ارزیابی وی از قانون به عنوان امری درست و منصفانه است. تعهد هنجاری حاکی از مشروعیتی است که فرد برای قانون و نهادها و مجریان قانون قائل است.

قانون‌گزیزی اخلاقی: قانون‌گرایی اخلاقی وضعیتی است که در آن، شخص به قوانین گردن می‌نهد؛ چون با ارزشهای اخلاقی و درونی وی همخوانی دارد. فرد در این حالت صرفاً بر اساس آنچه خود درست می‌پندارد، عمل می‌کند که ممکن است این پندار با پندار سایر افراد جامعه یکسان نباشد. در چنین وضعیتی، از نظر عامل، کنش حاصل از چنین جهت‌گیری‌ای، قانون‌گريزانه نیست، بلکه این کنش، فقط از نظر ناظر عمل قانون‌گزیزی محسوب می‌شود.

2. هوش معنوی

در چند دهه گذشته، معنویت به صورت روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است و چنین به نظر می‌رسد که مردم جهان، بیش از پیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش پیدا کرده‌اند (افروز و همکاران، 1388). یکی از مفاهیم مرتبط با معنویت، هوش معنوی است. هوش معنوی در ادبیات روان‌شناسی برای اولین بار سال 1996 توسط استیونز و بعد در سال 1999 توسط ایمونز¹ مطرح شد. از نظر ایمونز (2000)، هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره است. هوش معنوی، هوشی است که انسان را قادر می‌سازد به حل مسائل معنایی و ارزشی خود بپردازد. همچنین، هوشی است که می‌تواند اعمال و زندگی فرد را در سطح وسیع‌تر، غنی‌تر و بامعناتری قرار دهد. هوش معنوی را کاربرد سازگارانۀ اطلاعات معنوی در تسهیل حل مسائل روزانه و هدف‌یابی و دستیابی به آنها می‌دانند (ژهر و مارشال،² 2001). هوش معنوی در بر دارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند (غباری بناب و همکاران، 1386). هوش معنوی به واسطه یکپارچه کردن هوش عقلانی و هوش هیجانی، تعامل بین فرایندهای تفکر منطقی و هیجان را تسهیل می‌کند و این قابلیت را نیز دارد که نتیجه تعامل آنها را به کلی تغییر دهد و بدین واسطه، موجب رشد و دگرگونی شخصی شود (زارع و همکاران، 1391). به طور کلی، هوش معنوی عبارت است از: خودآگاهی عمیقی که انسان را قادر می‌سازد هر چه بیشتر از جنبه‌های درونی خود آگاه شود. همچنین، هوش معنوی توانایی به کارگیری و بروز ارزشهای معنوی است؛ به گونه‌ای که موجب ارتقای کارکرد روزانه و سلامت جسمی و روحی فرد می‌شود. (موسوی و همکاران، 1390)

3. سبک هویت

هویت، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آنهاست که فرد آن را از طریق کنش متقابل با خود یا بازیابی تصوراتی از خود به دست می‌آورد و در جواب پرسش «من کیستم؟» ارائه می‌دهد (وودوارد،³ 2000). در واقع؛ هویت مفهومی است ناظر بر حالات و اعمال شخصی که ریشه در تربیت خانوادگی، آموخته‌های فرهنگی و باورهای اجتماعی دارد و تشخیص و فردیت شخص یا جامعه را تشکیل می‌دهد (برزونسکی،⁴ 2004). هویت، عناصر درونی، ذهنی و بیرونی را شامل می‌شود و موقعیتی برای بازشناسی اجتماعی توسط دیگران است. مفهوم هویت به صورت گوناگونی

1. Emmonz

2. Zohar & Marshall

3. Woodward

4. Berzonsky

دسته‌بندی شده است. ابتدایی‌ترین دسته‌بندی در خصوص هویت، هویت فردی و هویت جمعی است. هویت فردی که به مجموع هویت‌های شخصی، شخصیتی و اجتماعی فرد اطلاق می‌شود (جوکار و همکاران، 1393). یکی از مسائل روان‌شناختی در زمینه هویت، بررسی سبک‌های هویتی است. سبک‌های هویت، ترجیح نسبی افراد برای به کارگیری شیوه‌های خاص حل مسائل هویتی و پردازش اطلاعات مربوط به خود است (همان). از نظر برزونسکی (2004) افراد دارای وضعیت‌های هویتی مختلف در فرایندهای اجتماعی - شناختی که برای حل مسائل شخصی، تصمیم‌گیری‌ها و فرایند شکل‌گیری هویت استفاده می‌کنند، با یکدیگر تفاوت دارند. وی برای پردازش اطلاعات مربوط به هویت، چهار سبک هویتی شامل سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم یا اجتنابی و تعهد را ارائه کرده است. (مبو، 1999)

سبک هویت اطلاعاتی:¹ افراد واجد سبک اطلاعاتی به طور فعال و آگاهانه به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آنها می‌پردازند و سپس اطلاعات مناسب را استفاده می‌کنند (فشاری و رضایی، 1397). این افراد نیاز بالایی به شناخت و پیچیدگی شناختی احساس می‌کنند، کمتر در جستجوی تأیید و تصدیق دیگران‌اند، به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و در برخورد با موقعیت‌های مبهم و افراد جدید، پذیرش بالایی دارند.

سبک هنجاری:² در سبک هنجاری، فرد در مواجهه با مسائل به شیوه‌ای واکنشی و هماهنگ با انتظارات گروهای مرجع و دیگران عمل می‌کند و به صورت خودکار و بدون خودارزیابی، ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کند. این سبک با ویژگی‌هایی مانند وظیفه‌شناسی مفرط، کمک‌خواهی، ناشکیبایی و میل شدید به ساختارمندی قضایا، خودپنداره پایدار و عدم تمایل به بررسی اطلاعات ناهمگام با ارزش‌ها و باورها رابطه دارد.

سبک سردرگم یا اجتنابی:³ افراد دارای سبک سردرگم یا اجتنابی از رویارویی با مسائل مربوط به هویت دوری می‌کنند؛ تا حد ممکن سعی دارند موقعیت‌های تعارض‌برانگیز و مستلزم تصمیم‌گیری را به تأخیر بیندازند؛ در مواقعی که امکان چنین تأخیر وجود نداشته باشد، در تصمیم‌گیری بیشتر به مقتضیات و پیامدهای محیطی تکیه می‌کنند؛ در مواقع تصمیم‌گیری، حس ترس و اضطراب نیز دارند و در این موقعیت‌ها اغلب از راهبردهای نامناسب مانند اجتناب، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند؛ رفتار آنان موقعیتی بوده، الگویی مشخص ندارد. این سبک هویت با هیجان‌مداری، راهبردهای نامطلوب تصمیم‌گیری، خودآگاهی محدود، دیگر پیروی و به کارگیری راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمد رابطه دارد. (جوکار و لطیفان، 1385)

1. Information-Oriented

2. Normative Identity

3. Diffuse-Avoidant

387 ♦ واكوى رفتار قانون گريزانۀ مهاجران در ايران با تأكيد بر...

سبك هويت تعهد:¹ سبكي كه در آن تعهد به اهداف و برنامه ريزي هاي زندگي در سطح بالايي قرار دارد. تعهد، چارچوبي ارجاعي از ارزشها و باورهاست كه ممكن است خودساخته يا تجويز شده از جانب ديگران باشد (عدي زرين و همكاران، 1388). تعهد عبارت است از: تثبيت و اتخاذ تصميم هايي نسبتاً بادوام و سرمايه گذاري شخصي براي اين تصميم ها.

ج) پيشينه پژوهش

اگرچه پژوهشي كه به واكوى رفتار قانون گريزانۀ مهاجران در ايران با تأكيد بر متغيرهاي روان شناختي هوش معنوي و سبك هويت پرداخته باشد، در دسترس نيست؛ اما مطالعات انجام شده متعددي در زمينه قانون گريزي وجود دارد كه به بررسي عوامل مؤثر بر اين پديده پرداخته اند.

واحدى و همكاران (1388) در بررسي عوامل مؤثر بر قانون گريزي شهروندان 20 تا 75 ساله استان آذربايجان غربى، به اين نتيجه دست يافتند كه قانون گريزي با عموميت قانون، ترس از مجازات، مذهب فرد و اطاعت از قوانين از روى شناخت و آگاهي، رابطه معنادارى دارد.

اسدزاده و همكاران (1393) مهم ترين انگيزۀ قانون گريزي را ضعف اعتقادي و پس از آن، ناهمخواني ميان سخن قانون و عمل مسئولان دانسته اند. بر اساس يافته هاي اين پژوهش، بيشترين كسائي كه در سطح كلان قانون را دور مى زنند، اغلب مسئولان اند كه اين امر، خود باعث قانون گريزي در بين آحاد جامعه مى شود.

كاظمي (1394) در پايان نامه خود به تبين جامعه شناختي قانون گريزي و عوامل تأثير گذار بر آن در بين شهروندان شهر خلخال پرداخته است. جامعه آمارى اين پژوهش، دانشجويان دانشگاه آزاد و پيام نور، تاكسى رانان و زندانيان شهر خلخال بوده و با روش تحليل واريانس و پيرسون براي آزمون فرضيات و تكنيك رگرسيون و تحليل مسير براي سنجش مدل تحقيق استفاده شده است. نتايج تحقيق حاكي از آن است كه بين ميزان سن، ميزان اعتماد اجتماعي، ميزان عدم اطلاع از قانون، ميزان احساس شهروندى و ميزان قانون گريزي رابطه وجود دارد؛ اما بين سابقۀ جرم و ميزان قانون گريزي رابطه وجود ندارد. همچنين بين جنسيت و ميزان قانون گريزي (كه مردها بيشتر از زنان)، وضعت تأهل در قانون گريزي (كه مطلقه ها بيشتر از متأهل ها و مجردها)، پايه هاي تحصيلي و ميزان قانون گريزي (كه زير ديپلم ها بيشتر از بقيه)، محلهاي زندگي و ميزان قانون گريزي (كه شهرنشينها بيشتر از بقيه) و طبقۀ اجتماعي و اقتصادي و ميزان قانون گريزي (كه طبقۀ اجتماعي و اقتصادي پايين نسبت به ساير طبقه ها بيشتر از بقيه) اختلاف و تفاوت معنادارى وجود دارد.

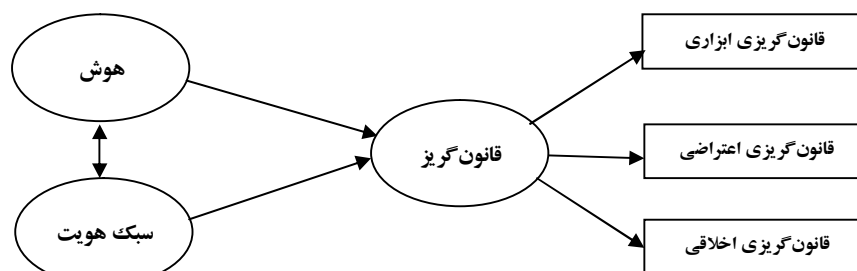
1. Commitment

عزیزی و پرتوی (1394) در تحقیقی دیگر به بررسی قانون‌گزیزی شهروندان 15 تا 64 سال شهر مریوان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی، پابندی اعضای خانواده به قانون و پابندی اعضای گروه دوستان به قانون، با قانون‌گزیزی پاسخگویان همبستگی معکوس و معنادار و مدت زمان سکونت افراد در شهر با میزان قانون‌گزیزی آنان همبستگی مستقیم و معنادار دارد. میزان قانون‌گزیزی مردان از زنان و افراد مشاغل آزاد از مشاغل دولتی بیشتر است. تحلیل رگرسیون چندمتغیره هم نشان داد که متغیرهای تحصیلات پاسخگویان، میزان قانون‌گزیزی در خانواده فرد و میزان قانون‌گزیزی دوستان، بر قانون‌گزیزی پاسخگویان تأثیر معناداری داشته‌اند. مجموع این متغیرها، 21 درصد از تغییرات قانون‌گزیزی افراد را تبیین کرده‌اند.

میرفردی و احمدی قارنایی (1395) طی پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که بین متغیر میزان قانون‌گزیزی و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی، رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین بین سن پاسخگویان و میزان اعتماد اجتماعی آنان در روابط بین شخصی، رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش میزان سن، میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان در روابط بین شخصی به نسبت کمی افزایش می‌یابد. بنابر این، با افزایش یا کاهش در میزان قانون‌گزیزی افراد، هیچ تغییری در میزان اعتماد اجتماعی خود آنان در روابط بین شخصی ایجاد نمی‌شود.

میرزایی و همکاران (1396) نیز در پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین قانون‌گزیزی و پیوندهای اجتماعی در شهر اهواز به این نتیجه دست یافته‌اند که بیشترین و کمترین حوزه قانون‌گزیزی به ترتیب: قانون‌گزیزی راهنمایی - رانندگی و فرهنگی - آموزشی است. همچنین ضرایب همبستگی حاکی از رابطه معنادار میان متغیر پیوند اجتماعی با ابعاد قانون‌گزیزی و شاخص ترکیبی کل قانون‌گزیزی است. بر اساس یافته‌های تحلیل مسیر، بُعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی - هنجاری، بالاترین سهم را در تبیین قانون‌گزیزی به خود اختصاص داد. نتیجه کلی اینکه، هرچقدر فرد حائز پیوندها و شبکه اتصال اجتماعی قوی با جامعه باشد، به همان نسبت قانون‌مندتر خواهد بود.

در نهایت با توجه به هدف تحقیق، مدل مفهومی اولیه تحقیق به صورت شکل 1 خواهد بود.



شکل 1: مدل مفهومی تحقیق

(د) روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، فرضیه‌ای - قیاسی است. راهبرد تحقیق، پیمایشی و روش آن، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری در این تحقیق، دانشجویان مهاجر افغان شهرستان کاشان، شامل 370 دانشجوی افغانی است. با توجه به تعداد جامعه پژوهش و براساس جدول مورگان، 196 نفر به عنوان نمونه، انتخاب و 300 پرسشنامه بین آنان توزیع شد. تعداد پرسشنامه‌های عودت داده شده که به طور کامل پر شده و قابل استناد و استفاده بودند، 260 عدد بود. در ضمن، روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه‌ای در چهار بخش است. در بخش اول، متغیرهای جمعیت‌شناختی جامعه پژوهش و در بخش دوم، متغیر قانون‌گزیزی با استفاده از پرسشنامه استاندارد کلمن (1377) در سه بُعد قانون‌گزیزی ابزاری (سه گویه)، قانون‌گزیزی اعتراضی (سه گویه) و قانون‌گزیزی اخلاقی (چهار گویه) بررسی می‌شود. بخش سوم با استفاده از پرسشنامه هوش معنوی بدیع و همکاران (1389)، به بررسی هوش معنوی دانشجویان مهاجر شهرستان کاشان می‌پردازد. در این پرسشنامه عامل «زمینه تفکر کلی و بعد اعتقادی» شامل 12 گویه، «خودآگاهی و عشق و علاقه» شامل هشت گویه، «پرداختن به سجاای اخلاقی» شامل هفت گویه و «توانایی مقابله و تعامل با مشکلات» شامل 15 گویه است. بخش چهارم نیز با استفاده از پرسشنامه سبک هویت¹ برزونسکی (2009) به بررسی سبک هویت جامعه پژوهش در ابعاد سبک هویت اطلاعاتی با 11 گویه، سبک هویت هنجاری با 9 گویه، سبک هویت سردرگمی یا اجتنابی با 10 گویه و سبک هویت متعهد با 10 گویه و در مجموع 40 گویه پرداخته شده است. این پرسشنامه به کرات در پژوهشهای مختلف استفاده و روایی آن تأیید شده است. (کروستی² و همکاران، 2009)

دانشجویان به تمام گویه‌ها در طیف پنج‌گانه لیکرت از «بسیار موافقم» (امتیاز 5) تا «بسیار مخالفم» (امتیاز 1) پاسخ داده‌اند. برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که برای هر بُعد به طور جداگانه و در مجموع ابعاد متغیرهای بررسی، بیش از 0/8 بوده است و پایایی داده‌ها را نشان می‌دهد. برای تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش، از آمار توصیفی و آزمونهای تک‌نمونه‌ای تی، آزمون دو نمونه مستقل تی، آزمون تحلیل تک‌عاملی آنوا و آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

1. Identity Style Questionnaire- 6Grades (ISI-6G)
2. Crocetti

هـ) یافته‌ها

در بخش اول از تحلیل داده‌ها و در جدول 1، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه پژوهش بر اساس فراوانی، درصد، میانگین قانون‌گزینی و انحراف معیار قانون‌گزینی نمونه پژوهش آورده شده است.

جدول 1: فراوانی، درصد، میانگین قانون‌گزینی و انحراف معیار قانون‌گزینی نمونه پژوهش (دانشجویان افغان شهرستان کاشان) بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی

	فراوانی	درصد	میانگین قانون‌گزینی	انحراف معیار قانون‌گزینی	
جنسیت	زن	63	24	3,398	0,000
	مرد	197	76	2,932	0,576
سن (سال)	کمتر از 20	75	32	3,179	0,379
	20 تا 30	185	68	2,976	0,590
وضعیت تأهل	مجرد	252	97	3,018	0,529
	متأهل	8	3	3,805	0,000
دوره تحصیلات	کارشناسی	215	82	3,244	0,356
	کارشناسی ارشد	32	12	2,083	0,000
	دکترا	15	6	2,222	0,000
مدت اقامت (سال)	کمتر از 5	70	27	2,367	0,303
	5-10	63	24	3,389	0,266
	10-15	86	33	3,358	0,606
	بیش از 15	41	16	3,001	0,539
دلیل اقامت	زندگی و تحصیل	190	73	2,367	0,303
	تحصیل	70	27	3,291	0,365

مطابق جدول 1، 76 درصد از مهاجران، مرد و بقیه زن بوده‌اند. 70 درصد از این مهاجران، دلیل اقامت خود را تحصیل و زندگی در ایران ذکر کرده و حدود 50 درصد آنان بیش از 10 سال است که در ایران اقامت دارند. از آنجا که متغیر محوری و وابسته بررسی‌شده، قانون‌گزینی بوده است، در بخش اول از تحلیلها و آزمونها، رابطه این متغیر با متغیرهای جمعیت‌شناختی جامعه پژوهش بررسی شده است. فرضیه مد نظر برای آزمون، به طور کلی به صورت فرضیه $X-1$ تعریف شده است.

فرضیه 1-X: بین متغیرهای جمعیت‌شناختی X و قانون‌گزینی دانشجویان افغان شهرستان کاشان، رابطه معناداری وجود دارد.

391 ♦ واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ايران با تأکيد بر...

برای بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، وضعیت تأهل و دلیل اقامت با قانون‌گريزی، از آزمون دو نمونه مستقل تی و برای آزمون رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی دوره تحصیلی و مدت اقامت با متغیر قانون‌گريزی، از آزمون تک‌عاملی آنوا استفاده شده است. نتایج این دو آزمون به ترتیب در جدولهای 2 و 3 آمده است. از آنجا که آزمون تساوی واریانس‌ها (آزمون لون) برای تمامی آزمونهای دو نمونه مستقل دارای مقدار معناداری صفر شده است، فرض تساوی واریانس‌ها برای تمامی آزمونها پذیرفته شده و در این گزارش از ذکر آن خودداری و تنها نتیجه آزمون برابری میانگینهای دو جامعه ارائه می‌شود. (جدول 3)

جدول 2: بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، وضعیت تأهل و دلیل اقامت با قانون‌گريزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان

فرضیه	متغیر	درجه آزادی	آماره آزمون (t)	مقدار معناداری (sig)	نتیجه آزمون
1-1	جنسیت	258	6,28	0/000	تأیید
2-1	گروه سنی	258	2,87	0/004	تأیید
3-1	وضعیت تأهل	258	-4,20	0/000	تأیید
4-1	دلیل اقامت	258	-18,20	0/000	تأیید

نتایج حاصل از آزمون تساوی میانگینهای قانون‌گريزی در چهار متغیر بررسی‌شده جنسیت، سن، وضعیت تأهل و دلیل اقامت، در سطح اطمینان 95 درصد رد شده است. به عبارت دیگر؛ در سطح اطمینان 95 درصد، بین متغیرهای جمعیت‌شناسی مذکور و متغیر قانون‌گريزی رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون فرضیات (جدول 2) و میانگین متغیرها (جدول 1) می‌توان گفت که زنان بیش از مردان، نوجوانان بیش از جوانان، متأهلان بیش از مجردان و کسانی که تنها به دلیل تحصیل در ایران اقامت دارند بیش از کسانی که به دلیل زندگی و تحصیل در ایران اقامت دارند، مرتکب قانون‌گريزی می‌شوند.

نتایج حاصل از این آزمون تساوی میانگینها قانون‌گريزی در چهار متغیر مورد بررسی دوره تحصیلی و مدت اقامت در سطح اطمینان 95 درصد رد شده است. به عبارت دیگر، در سطح اطمینان 95 درصد بین متغیرهای جمعیت‌شناسی مذکور و متغیر قانون‌گريزی رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون فرضیات (جدول 3) و میانگین قانون‌گريزی (جدول 1) می‌توان گفت که دانشجویان دوره کارشناسی بیشترین و دوره کارشناسی ارشد کمترین میزان قانون‌گريزی را دارند. رابطه مدت اقامت و قانون‌گريزی هم به صورت زنگوله‌ای بوده است؛ یعنی با افزایش مدت اقامت، ابتدا قانون‌گريزی افزایش، سپس کاهش یافته و کمترین قانون‌گريزی این اتباع با میانگین 2,36 در سالهای ابتدایی اقامت آنها رخ داده است.

جدول 3: بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی دوره تحصیلی و مدت اقامت با قانون‌گریزی

دانشجویان افغان شهرستان کاشان

فرضیه	متغیر	درجه آزادی	آماره آزمون (F)	مقدار معناداری (sig)	نتیجه آزمون
5-1	دوره تحصیلی	259	230,3	0/000	تأیید
6-1	مدت اقامت	259	151,75	0/000	تأیید

در بخش دوم از تحلیل داده‌ها، میزان سطح متغیرهای قانون‌گریزی، هوش معنوی و سطح هویت دانشجویان افغان شهرستان کاشان در ابعاد مورد بررسی و در مجموع ابعاد با استفاده از فرضیات 2 تا 4 بررسی شده‌اند.

نتایج آزمون فرضیه‌های 2 و X-2 در سطح اطمینان 95 درصد حاکی از رد فرضیه 3-2 (تی=17,18) و تأیید سایر فرضیه‌هاست. به عبارت دیگر؛ قانون‌گریزی دانشجویان شهرستان کاشان در ابعاد قانون‌گریزی ابزاری، اعتراضی و در مجموع ابعاد، در سطح پایینی قرار دارد؛ ولی قانون‌گریزی اخلاقی این دانشجویان به طور معناداری بیش از میانگین، یعنی 3,35 است. در این وضعیت؛ قانون‌گریزی ابزاری دانشجویان شهرستان با میانگین 2,75، کمترین نوع قانون‌گریزی این جامعه است. آزمون فرضیه‌های 3 و X-3 نیز نشان می‌دهد که هوش معنوی این دانشجویان در ابعاد مورد بررسی و در مجموع ابعاد، در سطح بالایی قرار دارد. به عبارت دیگر؛ در سطح اطمینان 95 درصد تمامی فرضیات مذکور با آماره آزمون بیش از 1/65- و با درجه آزادی 259 تأیید شده‌اند. آزمون فرضیه‌های X-4 نیز نشان‌دهنده آن است که چهار نوع سبک هویت در دانشجویان مورد بررسی به طور معناداری دیده شده است. با این وجود، سبک هویت اطلاعاتی و سردرگم به ترتیب با میانگین 3,63 و 3,17 به ترتیب بیشترین و کمترین سبک هویت مشاهده شده بوده است.

بخش سوم از تحلیلها به بررسی رابطه بین ابعاد هوش معنوی، سبک هویت و قانون‌گریزی دانشجویان شهرستان کاشان می‌پردازد (جدول 5). فرضیه مد نظر با استفاده از آزمون همبستگی دو دنباله اسپرمن بررسی شده‌اند. (فرضیه 5)

جدول 4: بررسی قانون‌گریزی، میزان هوش معنوی و سبک هویت دانشجویان افغان شهرستان کاشان

فرضیه	متغیر	ابعاد	میانگین	درجه آزادی	آماره آزمون (t)	مقدار معناداری (sig)	نتیجه آزمون
1-2	قانون‌گریزی	قانون‌گریزی ابزاری	2,75	259	-6,267	0/000	تأیید
2-2		قانون‌گریزی اعتراضی	3,03	259	554.	0/580	تأیید
3-2		قانون‌گریزی اخلاقی	3,35	259	17,186	0/000	رد
2		مجموع ابعاد قانون‌گریزی	3,04	259	1,273	0/240	تأیید
1-3	هوش معنوی	تفکر کلی و اعتقادی	3,72	259	25,183	0/000	تأیید
2-3		مقابله با مشکلات	3,10	259	7,339	0/000	تأیید
3-3		خودآگاهی	3,45	259	15,881	0/000	تأیید
4-3		سجایای اخلاقی	3,33	259	12,410	0/000	تأیید

393 واکاوی رفتار قانون‌گريزانۀ مهاجران در ايران با تأکيد بر...

3		مجموع ابعاد هوش معنوی	3,40	259	26,447	0/000	تأیید
1-4	سبک هويت	سبک هويت اطلاعاتی	3,63	259	25,001	0/000	تأیید
2-4		سبک هويت هنجاری	3,41	259	19,130	0/000	تأیید
3-4		سبک هويت سردرگم	3,17	259	4,266	0/000	تأیید
4-4		سبک هويت تعهد	3,37	259	14,808	0/000	تأیید

فرضیه 5: بين ابعاد متغیرهای هوش معنوی، سبک هويت و قانون‌گريزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه 5 حاکی از آن است که بين هوش معنوی دانشجویان افغان شهرستان کاشان و سبک هويت اطلاعاتی ($r=0.261$; $\text{sig}=0.000$) و سبک هويت هنجاری آنان، رابطه‌ی مثبت و معنادار ($r=0.950$; $\text{sig}=0.000$) وجود دارد. همچنین بين هوش معنوی دانشجویان و سبک هويت سردرگم آنان، رابطه‌ی منفی و معنادار وجود داشته است ($r=-0.370$; $\text{sig}=0.000$). رابطه‌ی بين هوش معنوی اين دانشجویان و سبک هويت تعهد نیز مشاهده نشده است. همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بين هوش معنوی دانشجویان افغان شهرستان کاشان و قانون‌گريزی ابزاری ($r=-0.284$; $\text{sig}=0.000$) و قانون‌گريزی اعتراضی ($r=-0.619$; $\text{sig}=0.000$) آنان، رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد؛ ولی بين هوش معنوی آنها و قانون‌گريزی اخلاقی هیچ رابطه‌ای مشاهده نشد. در مجموع نیز بين هوش معنوی دانشجویان و میزان قانون‌گريزی آنان در سطح اطمینان 95 درصد، رابطه‌ی منفی و معناداری وجود داشته است ($r=-0.565$; $\text{sig}=0.000$). نتایج حاصل از همبستگی بين سبک هويت و قانون‌گريزی نیز نشان داده است که رابطه‌ی مثبت و معناداری بين میزان سبک هويتي اطلاعاتی ($r=0.173$; $\text{sig}=0.005$) و سبک هويت سردرگمی ($r=0.494$; $\text{sig}=0.000$) با قانون‌گريزی دانشجویان وجود داشته است. در مقابل، دانشجویانی با سبک هويت هنجاری ($r=-0.564$; $\text{sig}=0.000$) و تعهد ($r=-0.374$; $\text{sig}=0.000$) بیشتر، دارای قانون‌گريزی کمتر بوده‌اند. در اين میان، سبک هويت سردرگمی با قانون‌گريزی ابزاری با ضریب همبستگی 0,818 دارای بیشترین ارتباط با یکدیگر بوده است. همچنین دانشجویان با سبک هويت تعهد نسبت به تمامی انواع قانون‌گريزی تمایل کمتری نشان داده‌اند. (جدول 5)

جدول 5: همبستگی بین هوش معنوی، سبکهای هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم و تعهد) و قانون‌گزینی (ایزاری، اعتراضی، اخلاقی) در دانشجویان افغان شهرستان کاشان

قانون‌گزینی	قانون‌گزینی اخلاقی	قانون‌گزینی اعتراضی	قانون‌گزینی ایزاری	سبک هویت تعهد	سبک سردرگم	سبک هنجاری	سبک اطلاعاتی	هوش معنوی		
565.-	098.-	619.-	284.-	085.-	370.-	950.	261.	1,000	ضرب همبستگی	هوش معنوی
000.	117.	000.	000.	173.	000.	000.	000.	.	Sig.	
173.	252.	036.-	146.	413.	393.-	298.	1,000	261.	ضرب همبستگی	سبک هویت اطلاعاتی
005.	000.	568.	018.	000.	000.	000.	.	000.	Sig.	
564.-	095.-	498.-	359.-	030.-	227.-	1,000	298.	950.	ضرب همبستگی	سبک هویت هنجاری
000.	128.	000.	000.	626.	000.	.	000.	000.	Sig.	
494.	518.	818.	350.	524.-	1,000	227.-	393.-	370.-	ضرب همبستگی	سبک هویت سردرگم
000.	000.	000.	000.	000.	.	000.	000.	000.	Sig.	
374.-	437.-	410.-	589.-	1,000	524.-	030.-	413.	085.-	ضرب همبستگی	سبک هویت تعهد
000.	000.	000.	000.	.	000.	626.	000.	173.	Sig.	
865.	581.	633.	1,000	589.-	350.	359.-	146.	284.-	ضرب همبستگی	قانون‌گزینی ایزاری
000.	000.	000.	.	000.	000.	000.	018.	000.	Sig.	
836.	656.	1,000	633.	410.-	818.	498.-	036.-	619.-	ضرب همبستگی	قانون‌گزینی اعتراضی
000.	000.	.	000.	000.	000.	000.	568.	000.	Sig.	
735.	1,000	656.	581.	437.-	518.	095.-	252.	098.-	ضرب همبستگی	قانون‌گزینی اخلاقی
000.	.	000.	000.	000.	000.	128.	000.	117.	Sig.	
565.-	098.-	619.-	284.-	085.-	370.-	950.	261.	1,000	ضرب همبستگی	هوش معنوی
000.	117.	000.	000.	173.	000.	000.	000.	.	Sig.	
1,000	735.	836.	865.	374.-	494.	564.-	173.	565.-	ضرب همبستگی	قانون‌گزینی
.	000.	000.	000.	000.	000.	000.	005.	000.	Sig.	

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

وجود قانون در جامعه به شرط پابندی و رعایت آن، استحکام آن جامعه را در پی خواهد داشت. امروزه هیچ جامعه‌ای هر چند کوچک را نمی‌توان مشاهده کرد که دارای مجموعه هنجارهایی در قالب قانون نباشد. با این وجود، تعهد و الزام به قانون معمولاً در تمامی افراد جامعه یکسان نیست و بسته به شرایط فردی و اجتماعی ممکن است تغییر کند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان قانون‌گریزی دانشجویان مهاجر افغان شهرستان کاشان و تأثیرگذاری متغیرهای جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی هوش معنوی و سبک هویت بر میزان قانون‌گریزی آنها انجام شده است.

نتایج حاصل از بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، وضعیت تأهل، دلیل اقامت دوره تحصیلی و مدت اقامت در سطح اطمینان 95 درصد، نشان داد که بین متغیرهای جمعیت‌شناسی مذکور و متغیر قانون‌گریزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان رابطه معناداری وجود دارد. بر خلاف نتیجه پژوهش تقدس (1393) که مردها بیش از زنان دچار قانون‌گریزی می‌شدند، میانگین قانون‌گریزی دانشجویان زن افغان شهرستان کاشان در مقایسه با مردها بیشتر بوده است. همچنین متأهلان بیش از مجردان مرتکب قانون‌گریزی می‌شوند که با افزایش سن، میزان قانون‌گریزی آنان نیز کاهش یافته است.

همچنین نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در بین این دانشجویان، رابطه مدت اقامت و قانون‌گریزی هم به صورت زنگوله‌ای بوده است؛ یعنی با افزایش مدت اقامت ابتدا قانون‌گریزی افزایش و سپس کاهش یافته است و کمترین قانون‌گریزی توسط کسانی اتفاق افتاده که در سالهای ابتدایی از اقامت خود در ایران‌اند. این نتیجه ممکن است حاکی از آن باشد که اتباع خارجی و مهاجران، در سالهای ابتدایی از اقامت خود به دلیل ترس از خروج از کشور یا عدم تمديد گذرنامه اقامتی خود حتی از ارتکاب به جرمهای نرم (مانند عبور از چراغ قرمز و...) نیز خودداری می‌کنند؛ اما این رفتار با افزایش زمان اقامت آنان در کشور کاهش یافته و رفتارهای قانون‌گزیزانه بیشتری را از خود نشان می‌دهند. همان‌گونه که در جدول 1 آمده است، تمایل به قانون‌گریزی با افزایش زمان اقامت آنان و در بین کسانی که بیش از 10 سال در ایران اقامت داشته‌اند، کاهش یافته است که این موضوع را می‌توان به جامعه‌پذیری آنان و درک مشترک ارزشهای فرهنگی و اجتماعی و به تبع آن، تسلیم و التزام به قانون نسبت داد.

همچنین کسانی که تنها به دلیل تحصیل در ایران اقامت دارند، بیش از کسانی که به دلیل زندگی و تحصیل در ایران اقامت داشته‌اند، مرتکب قانون‌گریزی شده‌اند. علت این امر را می‌توان علاوه بر جامعه‌پذیر شدن این افراد طی سکونت و زندگی در ایران، تمایل به ادامه زندگی و کار، به خصوص زندگی خانوادگی آنان دانست.

نتایج آزمون بررسی سطح قانون‌گریزی دانشجویان نشان‌دهنده آن است که اگر چه قانون‌گریزی اخلاقی آنان در سطح بالایی قرار دارد، اما از نظر قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و در میانگین مجموع قانون‌گریزی این متغیر پایین بوده است. با توجه به نتایج پژوهش اسدزاده و همکاران (1393) که ضعف اعتقادی و ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان را مهم‌ترین عوامل قانون‌گریزی اعلام کرده بودند، این دو عامل که معادل قانون‌گریزی ابزاری و قانون‌گریزی اعتراضی مدل مورد استفاده در تحقیق حاضر است، در مهاجران افغان بسیار اندک بوده است. در مقابل، قانون‌گریزی اخلاقی در بین این دانشجویان زیاد بوده است. به عبارت دیگر؛ قانون‌گریزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان بیشتر بر درک آنان از درست یا نادرست بودن قانون و ارزش یا ضد ارزش بودن آن قانون برمی‌گردد، نه سرپیچی آنان از قانون. شاید یکی از مهم‌ترین علتهای این تفاوت در ادراک را بتوان تفاوت‌های فرهنگی به خصوص در معیارهای ارزشی بیان کرد.

آزمون بررسی هوش معنوی این دانشجویان نیز نشان‌دهنده مطلوب بودن این متغیر برای جامعه آماری مورد بررسی است. همچنین تمامی سبک‌های هویتی در دانشجویان مذکور مشاهده شده است؛ اما سبک هویتی اطلاعاتی با میانگین 3,63 و سبک هویتی سردرگم با میانگین 3,17، به ترتیب بیشترین و کمترین سبک هویت در این دانشجویان بوده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه همبستگی بین متغیرهای هوش معنوی و سبک هویت دانشجویان افغان شهرستان کاشان حاکی از ارتباط معنادار و مثبت بین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری آنان و رابطه منفی و معنادار بین هوش معنوی دانشجویان و سبک هویت سردرگم آنان بوده است. همچنین رابطه‌ای بین هوش معنوی این دانشجویان و سبک هویت تعهد نیز مشاهده نشده است. به عبارت دیگر؛ هرچه هوش معنوی این دانشجویان بیشتر بوده، سردرگمی آنان کمتر بوده است.

همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین هوش معنوی دانشجویان افغان شهرستان کاشان و قانون‌گریزی ابزاری و قانون‌گریزی اعتراضی آنان و در مجموع ابعاد، رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ اما هیچ رابطه‌ای بین هوش معنوی و قانون‌گریزی اخلاقی آنان مشاهده نمی‌شود. این نتایج مؤید نتایج واحدی و همکاران (1388) و سقایی پورسیفی و رنجبران (1396) است که به تأکید بر اعتقاد به مذهب، به عنوان عامل کنترل‌کننده فرد و تمایل به رعایت قانون اشاره می‌کنند.

نتایج حاصل از همبستگی بین سبک هویت و قانون‌گریزی نیز نشان داده است که ارتباط سبک هویتی اطلاعاتی و سبک هویت سردرگمی دانشجویان با قانون‌گریزی آنان، مثبت و معنادار و در مقابل، ارتباط بین سبک هویت هنجاری و تعهد آنان با قانون‌گریزی، منفی و معنادار بوده است. به عبارت دیگر؛ افراد با سبک هویت اطلاعاتی با توجه به اینکه کمتر در جستجوی تأیید و تصدیق دیگران‌اند، به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و ممکن است در رابطه با سودگرایی در قانون‌گریزی‌های ابزاری و فردگرایی در

397 ♦ واكوى رفتار قانون گريزانۀ مهاجران در ايران با تأكيد بر...

قانون گريزى هاى اخلاقى و اعتراضى نيز بيشتر عمل كنند. همچنين، افراد با سبك هويت سردرگم از آنجا كه در تصميم گيرى بيشتر به مقتضيات و پيامدهاى محيطى تكيه مى كنند و تصميم گيرى هاى هيچانى بيشترى دارند، تمايل كمترى با التزام به قانون از خود نشان مى دهند. در مقابل، دانشجويان با سبك هويت هنجارى و تعهد، چارچوبى از ارزشها و باورها را كه مقبول گروههاى مرجع و ديگران باشد، براى خود در نظر گرفته، تلاش مى كنند هماهنگ با جامعه و در چارچوب آن ارزشها عمل كنند. در نتيجه اين ويژگى، آنان به قانون گرايى تمايل بيشترى نشان مى دهند. همچنين بيشترين ضريب همبستگى (0,818) بين قانون گريزى ابزارى و سبك هويتى سردرگم رخ داده است. دانشجويان با سبك هويت تعهد، نسبت به تمامى انواع قانون گريزى تمايل كمترى نشان داده اند. به عبارت ديگر؛ افراد داراى ارزشهاى پايدار و اهداف بلندمدت، تمايل كمترى براى سرپيچى از قانون، چه فردى و چه اجتماعى، دارند.

پيشنهاها

پيشنهاهاى اين پژوهش در دو دسته پيشنهاهاى اجرايى و پژوهشى عبارتند از:

رابطۀ منفى و معنادار هوش معنوى با قانون گريزى حاكى از آن است كه توجه به معنويات مى تواند نقش بسزايى در قانون گرايى افراد جامعه داشته باشد و به تجربه ثابت شده است كه توجه به مقصد و مبدء زندگى و هدف آن، در ايجاد قانون گرايى مؤثر بوده است. از سوى ديگر، امروزه استفاده از منابع معنوى به عنوان كنترل كنندۀ درونى مى تواند در قبول و پذيرش قانون به عنوان امر الزام آور شرعى و عرفى به شمار آيد. سرمايه گذارى در تقويت هوش معنوى دانشجويان مى تواند به آنان در تمايل به قانون گرايى و جلوگيرى از سرپيچى هاى قانونى كمك كند.

با توجه به ميزان قابل توجه قانون گريزى اخلاقى در دانشجويان افغان شهرستان كاشان از يك سو و تأثير ادراك افراد بر ارزشهاى پذيرفته شده يك جامعه و پيروي از آنها از سوى ديگر، جامعه پذير كردن سريع اين دانشجويان مهاجر و آموزش، آشنايى و توجه ارزشهاى فرهنگى ايران براى آنان، مى تواند از ميزان قانون گريزى اخلاقى شان بكاهد. علاوه بر اين، از آنجا كه قانون گريزى در ابتدائى سالهاى اقامت آنان به مرور افزايش مى يابد، جامعه پذير كردن سريع آنان، به خصوص براى كسانى كه تمايل به ماندن در ايران و اقامت طولانى مدت براى كار و زندگى در ايران دارند، از اهميت بيشترى برخوردار است.

با توجه به تأثير سبكهاى هويتى بر ميزان قانون گريزى دانشجويان افغان، تلاش براى تغيير سبك هويت آنان از اطلاعاتى و سردرگمى به هنجارى و تعهدى، مى تواند باعث جلوگيرى از قانون گريزى و افزايش تمايل شان به التزام به قانون شود.

با توجه به میزان قانون‌گزیزی اخلاقی این دانشجویان و تأثیری که درک ارزشهای فرهنگی بر این نوع قانون‌گزیزی دارد، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی دیگر و به صورت ویژه، اثر ادراک و نوع ارزشهای فرهنگی بر قانون‌گزیزی مهاجران و کسانی از پیشینه فرهنگی متفاوت در ایران برخورددارند، بررسی شود.

همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهشی وسیع‌تر علاوه بر متغیرهای روان‌شناختی و فردی، متغیرهای اجتماعی و ساختاری، مانند فرهنگ، اثر خانواده و گروههای مرجع، طبقات اجتماعی و... نیز بر قانون‌گزیزی افراد به ویژه مهاجران بررسی شوند.



منابع

- اسدزاده، مهدی؛ سيد حسن هاشمی و علیرضا عزیزی (1393). «عوامل مؤثر بر قانون‌گريزی در جامعه و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی». *دانش انتظامی خراسان جنوبی*، سال سوم، ش 2 (9): 9-33.
- افروز، غلامعلی؛ حیدرعلی هومن و نسرین محمودی (1388). «بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی و نرم‌یابی پرسشنامه هوش معنوی در دانشجویان». *تحقیقات روان‌شناختی*، دوره یکم، ش 3: 1-23.
- افشاری، علی و رسول رضایی (1397). «پیش‌بینی احساس انزوای اجتماعی بر اساس طرحواره‌های هیجانی، سبکهای هویت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان». *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال نوزدهم، ش 1 (71): 61-69.
- بدیع، علی؛ سواری، الهام؛ باقری دشت بزرگ، نجمه؛ لطیفی زادگان، وحیده (1389) «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه هوش معنوی»، اولین همایش ملی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تبریز، 22 و 23 اردیبهشت‌ماه.
- تقدس، حمیده (1393). *اهمیت قانون و قانون‌مداری در قرآن و حدیث*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز.
- جوکار، بهرام؛ مسعود حسین‌چاری و آناهیتا مهرپور (1393). «پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس سبکهای هویت در دانشجویان دانشگاه شیراز». *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال چهارم، ش 1 (10): 3-22.
- جوکار، بهرام و مرتضی لطیفیان (1385). «رابطه ابعاد هویت و جهت‌گیری هدف در گروهی از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستانهای شیراز و یاسوج». *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و پنجم، ش 4 (پیاپی 49- و ویژه‌نامه علوم تربیتی): 27-46.
- زارع، حسین؛ احمد پدرام و الهه شیروانیان (1391). «پیش‌بینی هوش معنوی دانشجویان از روی صفات شخصیتی آنها». *تحقیقات علوم رفتاری*، دوره دهم، ش 1 (22): 59-68.
- سقایی پورسیفی، مهدیه و رضا رنجبران (1396). «رابطه سبکهای هویت، مسئولیت‌پذیری و جهت‌گیری مذهبی با احساس تنهایی دانشجویان کارشناسی ارشد». *روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت*، سال چهارم، ش 3: 10-20.
- صدیق سروسرستانی، رحمت‌اله (1388). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: سمت.
- طباطبایی نفیسه، طباطبایی سید شهاب‌الدین، کاکایی یزدان، محمدی آریا علیرضا. (1391) «رابطه سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان 15 تا 18 ساله شهر تهران». *رفاه اجتماعی*. 12 (44): 23-42.
- عبدی زرین، سهراب؛ پریناز سجادیان، شیما شهید، احمد بیان معمار و حسین عظیمی (1388). «رابطه بین سبک هویت و بی‌بستگی روانی در دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهر قم». *طلوع بهداشت*، دوره نهم، ش 1 (28): 69-77.
- عزیزی، سلام و لطیف پرتوی (1394). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با میزان قانون‌گريزی شهروندان شهر میوان در سال 1393-94». *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال هشتم، ش 29: 113-133.

- علی‌بابایی، یحیی و فیروزجانیان، علی‌اصغر (1388). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی». فصل‌نامه دانش انتظامی، شماره 4، پیاپی 45، صفحات 14-19.
- غباری بناب، باقر؛ محمد سلیمی، لیلا سلیمانی و ثنا نوری مقدم (1386). «هوش معنوی». اندیشه نوین دینی، دوره سوم، ش 10: 125-147.
- فیروزجانیان، علی‌اصغر و سید ضیا هاشمی (1395). «قانون‌گریزی به مثابه آنومی اجتماعی». مطالعات امنیت اجتماعی، ش 47: 81-106.
- کاظمی، حسن (1394). تبیین جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و عوامل تأثیرگذار بر آن در بین شهروندان شهر خلخال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
- کلمن، جیمز (1377). بنیادهای نظریه اجتماعی. تهران: نی.
- موسوی، سید حسین؛ محسن طالب‌زاده نوبریان و غلامرضا شمس مورکانی (1390). «بررسی رابطه هوش معنوی و رفتار شهروندی سازمانی معلمان دبیرستانهای شهرستان زنجان». روان‌شناسی تربیتی، ش 22: 65-94.
- میرزایی، ابراهیم؛ یعقوب احمدی، احمد بخارایی و هوشنگ نایی (1396). «قانون‌گریزی و پیوندهای اجتماعی (مطالعه موردی: شهر اهواز)». جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال هشتم، ش 3: 103-130.
- میرفردی، اصغر و حکیم احمدی قارنایی (1395). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و رابطه آن با میزان قانون‌گریزی در یاسوج». انتظام اجتماعی، دوره هشتم، ش 4: 59-84.
- میرفردی، اصغر و فروغ فرجی (1395). «بررسی میزان گرایش به قانون‌گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج». جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیست و هفتم، ش 2 (پیاپی 62): 93-110.
- واحدی، شهرام؛ رحیم بدری گرگری و جواد مصرآبادی (1388). «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی)». انتظام اجتماعی، دوره یکم، ش 2: 33-56.
- Abdi Zarin, S.; P. Sajjadian, Sh. Shahyad, A. Bayan Memar & H. Azimi (2009). "Relationship between Identity and Well-Being in School Girl Students in Qom City". *The Journal of Toloo-e Behdasht*, 9 (28): 69-77. (In Persian)
- Afrooz, Gh.; H.A. Hooman & N. Mahmoodi (2009). "Practicality, Validity, Validity and Normality of Spiritual Intelligence Questionnaire in Students". *Psychological Research*, 1 (3): 1-23. (In Persian)
- Afshari, A. & R. Rezaei (2018). "Prediction of Social Isolation Based on Emotional Schemas, Identity Styles and Early Maladaptive Schemas". *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 19 (71): 61-69. (In Persian)
- Alibabae yahya and firoozjanian, aliasghar. (2009). **Sociological Analysis of Factors Related to Law Absconding**. Police knowledge quarterly. N:4;45;14-19.
- Asadzade, M.; S.H. Hashemi & A. Azizi (2014). "Factors Affecting the Illegality in Society and its Impact on the Social Security". *Journal of Police Knowledge of South Khorasan*, 9: 9-33.

- Azizi, S. & L. Partoie (2015). "Sociological Analysis of Factors Related to Law Absconding of Marivan Citizens' in 2014-15". *Sociological Studies*, 8 (29): 113-133. (In Persian)
- badie, A.; & others (2010). "To plan and validity of Spiritual Intelligence questionnaire". *The first national conference of psychology at payam nor university in Tabriz*, 22-23 ordibehesht.
- Berzonsky, M.D. (1999). "Identity Style Conceptualization and Measurement". *Journal of Adolescent Research*, 4 (3): 268-282.
- Berzonsky, M.D. (2004). "Identity Style, Parental Authority, and Identity Commitment". *Journal of Youth and Adolescence*, 33: 213-220.
- Coleman, James (1998). *Foundations of Social Theory*. Tehran: Ney Publisher. (In Persian)
- Crocetti, E.; M. Rubini, M.D. Berzonsky & W. Meeus (2009). "Brief report: The Identity Style Inventory Validation in Italian Adolescents and College Students". *Journal of Adolescence*, 32: 425-433.
- Emmons, R.A. (2000). "Is Spirituality an Intelligence; Motivation and the Psychology of Ultimate Concern". *The International Journal for the Psychology of Religion*, Vol. 10, No. 1: 3-26.
- Enriquez, L.E.; M. Morales Hernandez & A. Ro (2018). "Deconstructing Immigrant Illegality: A Mixed-Methods Investigation of Stress and Health among Undocumented College Students". *Race and Social Problems*, 10 (2): 193-208.
- Firouzjaeian, A.A. & S.Z. Hashemi (2016). "Disregarding Law; a Social Anomie". *Social Security Studies*, 47: 81-106. (In Persian)
- Ghobari Bonab, B.; M. Salimi, L. Soleyani & S. Nouri Moghaddam (2007). "Spiritual Intelligence". *Modern Religious Thought*, 3 (10): 125-147. (In Persian)
- Jokar, B. & M. Latifian (2006). "The Relationship between Identity Dimensions and Target Orientation in a Group of Preschool Students in Shiraz and Yasuj Cities". *Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 25 (49): 27-46. (In Persian)
- Jokar, B.; M. Hossein Chari & A. Mehrpour (2014). "Predicting Social Responsibility Based on Identity Styles in Shiraz University Students". *Culture in Islamic University*, 4 (10): 3-22. (In Persian)
- Kazemi, H. (2015). *Sociological Explanation of Legalism and Its Influencing Factors among Khalkhal Citizens*. M.Sc. Islamic Azad University, Khalkhal School of Social Sciences. (In Persian)
- Lindahl, H. (2008) "Border Crossings by Immigrants: Legality, Illegality, and A legality". *Res Publica*, 14 (2): 117-135.
- Menjivar, C. & D. Kanstroom (Eds.) (2014). *Constructing Immigrant Illegality: Critiques, Experiences, and Responses*. New York: Cambridge University Press.

- Mirfardi, A. & F. Faraji (2016). "Investigating the Tendency of Illegality and its Relationship with Social Participation and Social Control in Yasuj". *Applied Sociology*, 27 (62): 110-93. (In Persian)
- Mirfardiy, A. & H. Ahmadi Qarnayy (2016). "The Efficacy of Social Trust in Interpersonal Relations and its Relationship with the Illegality in Yasouj". *Social Discipline*, 8 (4): 59-84. (In Persian)
- Mirzaei, I.; Y. Ahmadi, A. Bukharai & H. Nayebe (2017). "Law of Escape and Social Ties (Case Study: Ahwaz City)". *Cultural Sociology*, 8 (3): 103-130. (In Persian)
- Mousavi, S.H.; M. Talibzadeh Nobarian & Gh. Shams Morkani (2011). "The Relationship between Spiritual Intelligence and Organizational Citizenship Behavior in High School Teachers in Zanjan". *Educational Psychology Quarterly*, 22: 65-94. (In Persian)
- Saghaei Poursifi, M. & R. Ranjbaran (2017). "The Relationship of Identity Styles, Responsibility and Religious Orientation with the Feeling of Loneliness in Postgraduate Students". *Journal of Psychology and Psychiatry in Cognition*, 4 (3): 10-20. (In Persian)
- Sedigh Sarvestani, R. (2009). *Social Pathology (Sociology of Social Deviations)*. Tehran: SAMT Publisher. (In Persian)
- Tabatabaee, N and others. (2013). *the relation between Identity styles and taking responsibility with educational progress among Tehran 15 to 18 years old teenager: social welfare*. 12 (44): 23-42.S
- Taghdess, H. (2014). *The Importance of Law and Jurisprudence in the Qur'an and Hadith*. M.Sc. of Shiraz University, Faculty of Theology and Islamic Studies. (In Persian)
- Vahedi, Sh.; R. Badri Gargari & J. Misrabadi (2009). "Investigating the Factors Affecting Citizen legality (Case Study: Citizens of West Azarbaijan Province)". *Social Discipline*, 1 (2): 33-56. (In Persian)
- Woodward, K. (2000). *Questioning Identity: Class*. London and New York in Association with the Open University.
- Zare, H.; A. Pedram & E. Shirvanian (2012). "Predicting Students' Intellectual Intelligence Based on Their Personality Traits". *Behavioral Sciences Research*, 10 (22): 59-68. (In Persian)
- Zohar, D. & I. Marshall (2001). *SQ: Connecting with our Spiritual Intelligences*. New York: Bloomsborry.

